

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم

پاییز ۱۳۹۹

مناسبات سیاسی - نظامی حکومت بنی هود و قشتاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۲۴

۱ رضوان یزدانی

۲ یونس فرهمند

۳ قنبر علی رودگر

بنی هود یکی از سلسله‌های مهم ملوک الطوائف اندلس (حک: ۴۲۲-۸۹۸ق. / ۰۳۱-۴۹۳م.) بود که از ۴۳۱ تا ۵۰۳ هجری در شمال شرقی اندلس؛ یعنی نجر اعلی به مرکزیت سرقسطه حکومت می‌کردند. آنها در طول هفتاد سال حکومت برای حفظ قدرت منطقه‌ای خود به ایجاد روابط سیاسی و نظامی با همسایه مسیحی خویش، حکومت قشتاله پرداختند. این پژوهش بر اساس منابع تاریخی و با رویکردی تحلیلی - توصیفی، مناسبات سیاسی و نظامی حکومت‌های بنی هود و قشتاله و عوامل ایجاد دوستی و یا دشمنی میان آنها را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هدف برقراری روابط سیاسی و نظامی هودیان با قشتاله، دستیابی متحدی مورد اعتماد در منطقه بود تا از این راه به سلطه سیاسی خود در شرق

۱. دانش آموخته دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: (rezvanyazdani1@gmail.com).
۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانه (مسئول مکاتبات) (farahmand@srbiau.ac.ir).
۳. استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران: (gh.roodgar@cfu.ac.ir).

اندلس ادامه دهند، اما پادشاهی قشتاله از این مناسبات، اهداف دیگری چون منافع اقتصادی، گسترش قلمرو حکومت خود و نفوذ به سرزمین‌های اسلامی را جست‌وجو می‌کرد.

کلیدواژگان: بنی‌هود، قشتاله، سرقسطه، اِل‌سید، ملوک الطوایف، اندلس.

۱. مقدمه

پس از سقوط حکومت امویان اندلس (حک: ۱۳۸ - ۴۲۲ق.) حکومت یک‌پارچه این سرزمین فرو پاشید. در نتیجه، خاندان‌ها و طوایف مستقلی که در دوره‌های قبل سرکوب شده بودند با بهره‌گیری از آشفتگی اوضاع، قدرت را در مناطق تحت نفوذ خود در دست گرفتند.^۱ اندلس به شش منطقه با بیست و شش حکومت که هر یک، خاندانی را نمایندگی می‌کرد، تقسیم شد؛ این دوره که آن را ملوک الطوایف می‌خوانند تا سال ۸۹۸ ق/ ۱۴۹۳ م ادامه یافت.^۲

۱. در دوره حکومت اموی، بسیاری از رهبران سیاسی خاندان‌های اندلس سرکوب شدند. بنابراین، پس از سقوط دولت اموی اندلس، آنان فرصت را مغتنم شمردند و وارد صحنه سیاسی منطقه شدند. در دوره آنان برخوردهای سیاسی و نظامی میان خاندان‌ها به شکل وحشتناکی افزایش یافت. ابن عذاری، مورخ مشهور از دوره ملوک الطوایف به دوران فتنه یاد می‌کند (ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب*، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ابن خطیب، *اعمال الاعلام فیمن بویع قبل الاحتلام من ملوک الاسلام*، ص ۱۴۰-۱۴۱).

۲. برخی از محققان عصر ملوک الطوایف را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: ۱. ملوک الطوایف دوره اول (۴۲۲ - ۴۸۰ق.)؛ ۲. ملوک الطوایف دوره دوم (۵۳۹ - ۵۵۵ق) و ۳. ملوک الطوایف دوره سوم (۶۲۰ - ۶۸۵ - ۷۵۰ق.) (جیوسی، *میراث اسپانیای اسلامی*، ص ۱۱۴-۱۱۵).

بنی هود^۱ یکی از خاندان‌های مشهور ملوک الطوائف بودند که بر سَرَقُسطَه^۲ در شمال شرقی اندلس^۳ حکومت می‌کردند.^۴ قلمرو جغرافیایی آنان به دلیل واقع بودن در ثغر اعلیٰ به مناطق تحت سلطه سلاطین مسیحی بسیار نزدیک بود. چنان‌که از شرق در مجاورت قطلونیه،^۵ از شمال غربی ناوار^۶ و از غرب با قشتاله قرار داشت.^۷ آنچه بنی‌هود را از سایر

۱. از خاندان‌های عرب مسلمان که رهبران آن، هم‌چون سلیمان بن هود از فرماندهان نظامی در دوره امویان در شمال غرب اندلس بودند (سامرای، *علاقات المرابطین باممالک الاسبانیه بالاندلس*، ص ۵۶-۵۹).

2. Zaragoza.

۳. به بخش شمال شرقی اندلس، ثغر اعلیٰ می‌گفتند که به چهار منطقه و هفت اقلیم تقسیم می‌شد: ۱. مرمیه: شامل قلعه‌های طشکر، کشتالی و کتنده؛ ۲. برتات: شامل طرطوشه، طرکونه و برشلونه؛ ۳. زیتون: شهر جاقه، لارده، مکناسه و افراغه و ۴. ارنیط: شامل شهر قلعه ایوب، سَرَقُسطَه، قلعه دَرَوْفَه، تَطْبِلَه و وَشَقَه (یا قوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۷۹؛ بکری، ابو عبید، *جغرافیة الاندلس واوریا*، ص ۹۴-۹۵).

۴. بنی‌هود که نسیشان به رُوح بن زنباع بن سلامه از قبیله جذام می‌رسد از قبایل قحطانی یمنی بودند که به همراه برخی طوائف عرب در اوایل عصر امویان اندلس به شهر البیره، واقع در جنوب اندلس که به سرسبزی و کشاورزی شهرت داشت، مهاجرت کردند. آنان در اواخر دوره خلافت اموی به شمال شرقی اندلس رفتند و در آنجا مستقر شدند و با سرنگونی بنی تُجیب قدرت را به دست گرفتند (برای اطلاع از نسب کامل آن‌ها، ر.ک: ابن خلدون، *العبر تاریخ ابن خلدون*، ص ۱۶۳/۳).

۵. شهری در شمال اندلس که امروز به آن کاتالونیا گفته می‌شود (مونس، *اطلس تاریخ الاسلام*، نقشه ۱۷۱).

۶. در متون اسلامی نافرا ضبط شده است (عذری، احمد بن عمر بن انس، *نصوص عن الاندلس*، من کتاب *ترصیع الاخبار وتنويع الآثار*، ص ۱۵۷).

۷. عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۲۷۱؛ مونس، *اطلس تاریخ الاسلام*، نقشه ۹۶.

ملوک الطوائف متمایز می‌کرد، نزدیکی قلمرو جغرافیایی آنان با دول مسیحی نبود، بلکه روابط گسترده سیاسی و نظامی با آنان به ویژه قشتاله بود.

شمال شرقی اندلس که در منابع اسلامی به سبب نزدیکی با حکومت‌های مسیحی به ثغر اعلی^۱ شهرت دارد به سبب همسایگی با حکومت‌های مسیحی چون قشتاله، ناوار و آراگون از اهمیت بالایی برخوردار بود. از این رو، در دوره امویان (حک: ۱۳۸-۴۲۲ق.)^۲ به ویژه عصر امیر عبدالله بن محمد اموی (حک: ۲۷۵-۳۰۰ق.)^۳ به منظور حفظ امنیت، این منطقه استراتژیک در برابر هجوم و حملات مکرر مسیحیان به خاندانی عرب، موسوم به بنی‌تجیب^۴ سپرده شد.^۵

۱. در اندلس سه ثغر وجود داشت؛ ۱. ثغر اعلی یا مرزهای شمالی که شامل سرقسطه و توابع آن بود. ۲. ثغر اوسط که در مقابل دولت قشتاله و لیون بود مرکز آن ابتدا شهر سالم بعد به طلیطله تغییر یافت. ۳. ثغر ادنی: منطقه‌ای که میان دو رود تاجه قرار داشت (ارسلان، *حلیل السندسیه فی الاخبار و الاثار الاندلسیه*، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ج ۲، ص ۱۱۴).

۲. پس از روی کار آمدن عباسیان و سقوط دولت اموی در شام، عبدالرحمان بن معاویه به مغرب گریخت و در اندلس، حکومت امویان را تأسیس کرد که حدود ۲۸۴ سال بر اندلس فرمان راندند (عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷).

۳. عصر امیر عبدالله با فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی بسیار همراه بود. او ثغر شمالی را به یحیی بن بنی‌تجیب از فرماندهان به نام سپرد (ابن عذاری، ج ۲، ص ۱۴۱؛ برای اطلاع بیشتر، رک: سویلم و بدالفتاح، *رسالة علاقة الامارة الاموية في الاندلس مع ممالک النصرانية فی اسبانيا*).

۴. خاندان عرب که در عصر طوائف پیش از حکومت بنی‌هود بر سرقسطه فرمان می‌راندند (ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار المغرب*، ج ۳، ص ۲۲۲-۲۲۳).

۵. ابن خطیب، *اعمال الاعلام فیمن بویع قبل الاحتلام من ملوک الاسلام*، ص ۲۹.

در اواخر روزگار عامری (حک: ۳۶۶-۳۹۹ق.) هم‌زمان با هرج و مرج‌های اندلس، منذر بن یحیی از بزرگان این خاندان در سال ۴۰۹ق. در سرقسطه اعلام استقلال کرد و حکومت محلی بنی تجیب را تأسیس نمود.^۱ مناسبات بنی تجیب^۲ با قشتاله بر دوستی و تعامل استوار بود که در عصر منذر بن یحیی^۳ (۴۲۰-۴۳۰ق.) این روابط به اوج رسید.^۴ پس از بنی تجیب، هودیان^۵ زمینه‌های دوستی و همکاری با قشتالیان را فراهم کردند که بخشی از مناطق شمال غربی اندلس را در اختیار داشتند و در زمان سانچو و آلفونسو

۱. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۱۷۸.

۲. سیاست خارجی در عصر ملوک الطوائف دست‌خوش تغییرات چشمگیری شد؛ زیرا بیشتر خاندان‌ها و طوائف به دنبال برقراری روابط حسنه با ملوک اسپانیایی بودند.

۳. وی هدایایی گران‌بها از طلا و نقره به سلاطین مسیحی قشتاله عطا کرد و این دوستی تا آخر حیات این خاندان تداوم داشت.

۴. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۵. با کشته شدن منذر بن یحیی، آشوب همه مناطق مختلف سرقسطه را فرا گرفت. ابو ایوب سلیمان بن محمد بن هود (حک: ۴۳۱-۴۳۸ق.) فرمانده نظامی لارده واقع در شمال شرق سرقسطه، پس از آگاهی از اوضاع نابسامان منطقه سرقسطه به سوی پایتخت رهسپار شد و با فرونشاندن ناآرامی‌ها و بازگرداندن امنیت به منطقه به عمر سیاسی خاندان بنی تجیب پایان داد و خود حکومت را به دست گرفت. بدین ترتیب تحولات سرقسطه به آسانی خاندان بنی‌هود را وارد عرصه سیاسی کرد. البته مورخانی مانند ابن خطیب، واقعه قتل منذر بنی تجیب را مسکوت گذاشتند و بدین نکته بسنده کردند که مردم علیه منذر شوریدند و از سلیمان بن هود خواستند که حکومت را در دست گیرد (ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۱۷۰؛ ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۲۱؛ حمیری، *روض المعطار فی خبر الاقطار*، ص ۱۶۹).

قشتاله به اوج اقتدار رسیدند.^۱ هودیان از این طریق می‌خواستند به جایگاه برتر منطقه‌ای دست یابند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره روابط سیاسی هودیان با پادشاهی قشتاله و دیگر حکومت‌های مسیحی مطالعاتی انجام شده‌اند که شایسته بررسی است. نخست، می‌توان به پژوهش در باب دولت‌های اسلامی در اندلس نوشته عبدالله عنان^۲ اشاره کرد که در آن، حیات سیاسی دولت‌های ملوک الطوائفی، هم‌چون بنی‌هود و اوضاع سیاسی - نظامی دولت‌های مسیحی مقارن با آنان به تصویر کشیده می‌شود. نویسنده گاه منابع مورد استفاده را بیان نمی‌کند و گاه موضعی جانب‌دارانه دارد.

دوم، *دولت بنی‌هود فی سرقسطه* اثر عبدالکریم خیطان که یک تکنگاری درباره هودیان است، اما به دلیل فقدان تحلیل و داوری در باب روایات و فقط ارائه گزارش رویدادهای سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی از منابع دست اول، خالی از نقص نیست. سوم، کتابی تحت عنوان *سرقسطه بوابه الاندلس الشمالیه فی عصر بنی‌هود* است که عبدالوهاب خلیل دباغ در ۲۰۱۱م. نوشت. او مانند خیطان به مسائل مرتبط به دولت بنی‌هود به ویژه اوضاع سیاسی و نظامی این دوره، رویکردی تحلیلی ندارد و فقط رویدادها را گزارش می‌کند.

برخلاف مطالعات پژوهش‌گران عرب، بخش عمده تحقیقات مستشرقان در باب هودیان به ال‌سید، قهرمان نظامی قشتاله و حکومت‌های مسیحی اختصاص دارد و در آنها

۱. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲. *دولت الاسلام فی الاندلس* در سال ۱۳۶۷ در ۵ جلد به دست عبدالحمید آیتی به فارسی ترجمه شد.

به تناسب از مناسبات سیاسی - نظامی آنان با بنی‌هود سخن گفته می‌شود، در این راستا می‌توان به اثر پرستون (۱۹۹۵ م.)^۱، پیدال (۱۹۶۸ م.)^۲، پیدال^۳ و فیتز هنری^۴ اشاره کرد. هم‌چنین باید به دو مدخل *دایرة المعارف اسلامی*^۵ تحت عنوان قشتاله^۶ و هودیان^۷ اشاره شود که نگاهی اجمالی به رویدادهای سیاسی و نظامی بنی‌هود و قشتاله دارد.^۸

۳. مسئله تحقیق

امرای طوایف مختلف اندلس در پی سقوط حکومت امویان اندلس و تجزیه اندلس اسلامی به استقلال سیاسی رسیدند و با هدف حفظ حکومت و توسعه قلمرو با ملوک مسیحی اسپانیا، روابط گسترده‌ای برقرار کردند. با این همه، موضوعی که حکومت‌های ملوک الطوایف را به برقراری ارتباط با مسیحیان علاقه‌مند ساخت و از شدت تیرگی روابط با آنان کاست، مسئله اخیر نبود. بلکه، رقابت‌های شدید منطقه‌ای میان امیران مختلف بود که زمینه این ارتباط را فراهم کرد. دولت بنی‌هود در چنین بستری درصدد همکاری سیاسی - نظامی با دولت قشتاله برآمد.

در میان دولت‌های مسلمان، هودیان با حکومت بنی‌عبّاد در اشبیلیه، واقع در غرب قرطبه، روابط حسنه و همراه با پیمان‌های سیاسی - نظامی داشتند. میان آنان نامه‌نگاری‌هایی می‌شد که موضوعات مهم آن‌ها، هم‌دردی نسبت به مسائل سیاسی و

1. *The Cid Campeador*, T.R. Preston, London, 1833.

2. *The Cid Campeador*, T.R. Preston, London, 1833.

3. *La Spana Del Cid*, Ramon Menendez Pidal, Madrid, 1929.

4. *El Cid*, James, Fitzhenry, United Statse Of America, 2008.

5. EI2.

6. "Kashtala" Chalmeta..P. *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, 2012.

7. "Hudids". *Hudids*, D.M. Dunlop, *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, 2012.

۸. هر دو مدخل به صورت کلی و کوتاه، دوره‌های سیاسی بنی‌هود و قشتاله را به تصویر کشیده‌اند.

نظامی غم انگیز در ناحیه اندلس بوده است، اما این دو حکومت، هیچ‌گاه به صورت متحد سیاسی در کنار یکدیگر قرار نگرفتند که به احتمال به سبب مسافت طولانی و یا ترس از توسعه طلبی یکدیگر بوده است.^۱

آنان با هدف تداوم سلطه سیاسی و توسعه قلمرو خود در منطقه در پی روابط گسترده با قشتاله برآمدند، اما به سبب اعتماد بیش از حد به قشتاله به اهداف سیاسی و نظامی خود دست نیافتند و راه را برای نفوذ قشتاله به مناطق مختلف اندلس اسلامی باز کردند. سرانجام این سیاست به تضعیف این حکومت و دیگر خاندان‌های طوایف انجامید. از این رو، این پژوهش می‌کوشد تا بدین سوالات پاسخ دهد که هودیان برای ایجاد مناسبات حسنه با قشتالیان چه تمهیداتی را به کار گرفتند؟ و این تمهیدات چه پی‌آمدهایی برای آنان و دیگر ملوک الطوایف اندلس داشت؟

۴. تمهیدات هودیان برای برقراری روابط حسنه با قشتاله

هودیان پس از دستیابی به قدرت، برای حفظ حکومت و کسب اقتدار سیاسی - نظامی در شرق اندلس در پی برقراری روابط گسترده‌ای با قشتاله^۲ برآمدند. نزدیکی جغرافیایی بنی‌هود با قشتاله و احاطه مرزهای شمالی و غربی آنان به وسیله حکومت‌های مسیحی و اوضاع متزلزل سیاسی و نظامی غیر قابل انکار منطقه، دلیل محکمی بود تا آنان به دنبال متحد سیاسی در میان دولت‌های مسیحی و مسلمان باشند.

۱. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۶۴ و ۲۸۸.

۲. قشتاله یا کاستیل، همسایه شمال غربی بنی‌هود از حکومت‌های قدرت‌مند مسیحی در عصر ملوک الطوایف بود. اسپانیای مسیحی در زمان سانچوی کبیر (حک: ۹۲۲-۱۰۳۵ م.) به اوج اقتدار سیاسی در منطقه دست یافت. از این رو پس از تجزیه طلبی در اسپانیای اسلامی، دولت‌های کوچک مسلمان، هم‌چون بنی‌هود برای حفظ قدرت به حکومت‌های مسیحی روی آوردند (همان، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۸۰).

بنابراین، هودیان برای شکل دهی به هم‌پیمانی سیاسی و گسترش روابط مسالمت آمیز با قشتاله بسیار کوشیدند^۱ و برای تحکیم مناسبات سیاسی و نظامی با قشتاله به اقداماتی، چون استخدام شمار زیادی از نیروهای نظامی قشتاله، ارسال هدایایی گران‌بها از طلا و نقره به دربار آنان، انعقاد پیمان‌های نظامی و سیاسی با قشتاله و بهره‌گیری از نیروهای نظامی کار آمد مغضوب حکومت قشتاله پرداختند.^۲

سلیمان بن هود (حک: ۴۳۱-۴۳۸ق / ۱۰۳۹-۱۰۴۶م.)^۳ یکی از امرای هودی برای جلب حمایت و ابراز حسن نیت به فرناندوی قشتالی (حک: ۱۰۳۸ - ۱۰۶۵م.) در نخستین اقدام، شماری از جنگ‌جویان قشتاله^۴ را در بخش نظامی به کار گرفت که این اقدام، انتقاد مورخانی مانند ابوبکر طرطوشی،^۵ فقیه نامدار را در پی داشت. وی در *سراج الملوک* دلیل ضعف سیاسی هودیان را اقدام اخیر و بی‌توجهی به نیروهای نظامی مسلمان می‌داند.^۶

۱. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۲۳.
۲. نیروهای مزدور مسیحی تا دوره مستعین در بخش نظامی بنی‌هود مشغول بودند.
۳. سلیمان بن هود اولین فرمانروای بنی‌هود تلاش‌های گسترده‌ای برای برقراری روابط مسالمت آمیز با قشتالیان انجام داد که الگویی برای دیگر حاکمان هودی شد (ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۸۰).
۴. نیروهای مزدور تا آخر حیات حکومت برای هودیان می‌جنگیدند (عبدالحمید، *العلاقات بین الأندلس الإسلامیة و اسبانيا النصرانیة فی عصر بنی‌امیه و ملوک الطوائف*، ص ۳۳۸-۳۴۰).
۵. ابوبکر محمد بن ولید طرطوشی از مشاهیر فلسفه سیاسی است. آرای فلسفی او متأثر از فیلسوف بنام ابو محمد علی بن حزم قرطبی (۴۵۶ق.) است. وی در کتاب *سراج الملوک*، نظریه عصیت را مطرح کرد. ابن خلدون در مقدمه با اشاره به نظریه وی و تأیید روش آن می‌گوید: "طرطوشی نتوانست به حقیقت موضوع دست یابد." کتاب طرطوشی حاوی اطلاعاتی درباره سیاست پادشاهی در اسلام است و این‌که دولت‌ها تا به نیروی اصیل خود متکی نباشند، نمی‌توانند حکومتی استوار داشته باشند، اشاره به اوضاع سیاسی هودیان و عوامل شکست آنان دارد (ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۲۶).
۶. ابن خلدون، همان، ص ۱۲۶؛ عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۲۹۰-۳۰۰.

اقدام دیگر بنی‌هود برای تحکیم مناسبات سیاسی با قشتاله که از طریق ارسال هدایا و پرداخت جزیه به آنان صورت گرفت^۱، چندان نتوانست اعتماد پادشاه قشتاله را نسبت به هودیان جلب کند. احتمال می‌رود این امر به سبب نگاه غاصبانه سلاطین مسیحی اسپانیایی به حکومت‌های مسلمان بوده است. فرناندو، پادشاه قشتاله بارها بر باز پس‌گیری سرزمین‌های مادری^۲ از مسلمانان تأکید کرده بود.^۳

از این رو، برای رسیدن به این هدف از فرصت فقدان حکومتی مقتدر در عصر طوایف بهره جست به قلمرو مسلمانانی، مانند بنی‌عباد و بنی‌ذوالنون (حک: ۴۲۷-۴۶۷ق.) دست درازی کرد. حاکمان این خاندان‌ها نه تنها بر ضد پادشاه قشتاله اقدامی نکردند، بلکه با ارسال هدایایی در پی جلب توجه فرناندو برآمدند و حتی به دلیل ضعف مواضع، جسارت بیشتر پادشاه قشتاله را سبب شدند و در نتیجه پرداخت جزیه به آنان تحمیل گردید.^۴

از این رو، ارسال هدایای حکام بنی‌هود، نشانه ضعف سیاسی آنان بوده است؛ زیرا با وجود تعامل و تلاش سازنده آنان برای تحکیم روابط سیاسی، فرناندو (۱۰۳۸-۱۰۶۵م.) در دوره اول حکومت سلیمان و احمد بن سلیمان (مقتدر)^۵، ال‌سید فرمانده نظامی خویش را برای دریافت جزیه روانه دربار هودیان کرد.^۶

۱. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار المغرب*، ج ۳ ص ۲۸۰-۲۸۱؛ عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۹۰.

۲. سیاست بازپس‌گیری سرزمین‌های اسلامی برای نخستین بار به وسیله فرناندو به کاربرده شد. او پس از فراغت از جنگ‌های داخلی اسپانیا در پی تصرف قلمرو مسلمانان برآمد (عنان، همان، ج ۲، ص ۳۹۷-۳۹۸).

۳. عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامیة و اسبانيا النصرانیة فی عصر بنی امیة و ملوک الطوایف*، ص ۳۲۹.

۴. بن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب* ج ۳، ص ۲۰۳، ۲۳۹.

۵. حکومت ۷۰ ساله هودیان را می‌توان به سه دوره ۱. دوره تثبیت عصر سلیمان بن هود (حک: ۴۳۱-۴۳۸ق.)؛ ۲. دوره اقتدار، عصر احمد بن هود ملقب به مقتدر (حک: ۴۳۱-۴۷۴ق.) و ۳. دوره اضمحلال، عصر احمد بن یوسف ملقب به مستعین و عبدالملک بن احمد ملقب به عمالدوله تقسیم کرد.

6. Fitzhenry, , James, *El Cid Gods Own Champion*, USA, 1884, P.72.

هودیان پس از جلب حمایت قشتاله^۱ با حمایت سیاسی و نظامی آنها، نخستین گام را برای گسترش قلمرو خود^۲ با حمله نظامی به بنی ذوالنون^۳، همسایه مسلمان خود در جنوب غربی اندلس آغاز کردند، اما عکس العمل قشتالیان نسبت به این رفتارها و ابراز ارادت‌ها بسیار ناچیز بود. آنان با وجود قبول هدایای هودیان و وعده حمایت سیاسی - نظامی، سیاست متناقضی در پیش گرفتند و در تشدید تنش سیاسی - نظامی میان بنی هود و بنی ذوالنون کوشیدند.^۴

قشتالیان گاه به حمایت از هودیان به قلمرو بنی ذوالنون و گاه برای جانب‌داری از بنی ذوالنون به نواحی تحت سلطه بنی هود می‌تاختند.^۵ دلیل این اقدام متناقض اخیر قشتالیان، ضعف اوضاع اقتصادی قشتاله در این دوران بود. قشتاله در این دوران، درگیر جنگ‌های درون‌خاندانی^۶ بود و این امر سبب کاهش منابع اقتصادی ایشان شده بود^۷ و آنان برای باز پس‌گیری سرزمین اندلس به منابع اقتصادی آن توجه داشتند.

۱. هودیان بارها با ارسال هدیه‌ی گران‌بها از طلا به قشتالیان اظهار دوستی و علاقه کردند (عبدالحلیم، العلاقات بین الأندلس الإسلامیة و اسبانيا النصرانیة فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف، ص ۳۳۶).

۲. در عصر ملوک الطوائف به سبب عدم اتحاد میان حکومت‌های مسلمانان، جنگ‌های سیاسی طولانی مدت، میان آنان صورت گرفت که بنی هود نیز از این قاعده استثنا نبود. ۳. در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴. عبدالحلیم، العلاقات بین الأندلس الإسلامیة و اسبانيا النصرانیة فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف، ص، ۳۳۸.

۵. ابن عذاری، البیان المغرب فی الاخبار الاندلس، ج ۳، ص ۲۲۲-۲۲۳.

6. Fitzhenry, *El Cid Gods Own Champion*, p.71-73.

۷. بوالصوف، فضیل، رساله العلاقات السیاسیة بین الاندلس الإسلامیة و اسبانيا النصرانیة فی عصر ملوک الطوائف.

به دلیل رفتارهای متناقض قشتاله، سیاست خارجی بنی‌هود در دوره دوم حکومت، دست‌خوش تغییر شد. احمد بن سلیمان ملقب به مقتدر (حک: ۴۳۸-۴۷۴ق/ ۱۰۴۶ - ۱۰۸۱م.)^۱، دومین حاکم هودی در جست‌وجوی هم‌پیمانی جای‌گزین آنان بود و از این رو برای بهبود روابط با سلاطین مسیحی ناوار^۲ کوشید. به ویژه این‌که در این دوره روابط سیاسی قشتاله با دیگر حکومت‌های مسیحی مقارن به تیرگی گراییده بود.^۳

با افزایش درگیری‌های نظامی میان گارسیا^۴ پادشاه ناوار^۵ و فرناندو^۶، فرمانروای قشتاله و لیون^۷، احمد بن سلیمان^۸ که دیگر به قشتاله اعتمادی نداشت برای ضدیت با آنان با

۱. احمد بن سلیمان ملقب به مقتدر از مقتدرترین امرای بنی‌هود بود (مونس، *تغریع‌العی الاندلسی فی عصر مرابطون*، ص ۱۳).

۲. ناوار یا نبره در شمال سرقسطه واقع بود.

۳. سانچو کبیر، پادشاه اسپانیای شمالی پیش از مرگش، قلمرو خویش را میان چهار فرزندش تقسیم کرد. قشتاله و لیون را به فرناندو بخشید، ناوار (در متون اسلامی نبره) را به گارسیا عطا کرد، آراگون را به رامیرو و منطقه سوبرایی را به گونزالو سپرد. با این اقدام، یک سری جنگ‌های درون‌خاندانی میان آنان در گرفت (Pidal. Menendez, *La Espana Del Cid*, Madrid, 1969, 155).

4. Garcia.

۵. ناوار در متون عربی نبره ثبت شده است (عبدالحمید، *العلاقات بین الأندلس الإسلامیة و اسبانیة النصرانیة فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف* ص ۲۰۰؛ مونس، *اطلس تاریخ اسلام*، نقشه ۹۷).

6. Fernando.

در متون عربی فردلند یا فریدلند ضبط شده است (ابن عذاری، *البیان المغرب فی اخبار المغرب و الاندلس*، ج، ص ۵۱-۵۲).

7. Leon.

۸. احمد بن هود، دومین فرمانروای خاندان بنی‌هود بود که به نسبت بقیه امرای هودی مقتدرتر و شجاع‌تر بود و در روابط خارجی به نسبت موفق‌تر عمل کرد. در عصر ملوک الطوائف اندلس، سه

ناوار پیمان نظامی بست. این پیمان برای بنی‌هود از دو جهت اهمیت بسیاری داشت. نخست، در صورت شکست فراندوی قشتالی، هودیان ناگزیر به پرداخت مالیات^۱ به دربار قشتاله نبودند. دوم، به متحدی جدید؛ یعنی ناوار برای رویارویی با قشتاله و دیگر رقبای مسیحی و اسلامی دست می‌یافتند.^۲ با این همه در این نبرد، نیروی ائتلافی گارسیا از قشتاله به سختی شکست خورد و به دنبال آن فرناندو به قلمرو بنی‌هود تاخت و احمد بن سلیمان را مجبور به پرداخت جزیه بیشتری کرد.^۳

سال ۴۷۴ق. در تاریخ روابط هودیان با حکومت‌های مسیحی دارای اهمیت بسیاری است؛ زیرا احمد بن سلیمان (حک: ۴۳۸-۴۷۴ق.) در این سال از فرصت اختلاف میان

دولت مسیحی در شمال اسپانیا تشکیل شده بود. الف) ناوارا: حکومتی به رهبری سانچوی سوم که با فتح ولایات کانتابریا و سوبرایی و ریاجورسا در شمال اسپانیا به بزرگ‌ترین دولت مسیحی تبدیل شده بود؛ ب) لیون: رهبری این مملکت کوچک بر عهده آلفونسو بود. وی با حمله به شهر مسلمان نشین بازو در شمال پرتقال قلمرو حکومتش را توسعه داد. پس از آلفونسو، دامادش فرناندو قدرت را به دست گرفت و ج) قشتاله: در آغاز قرن پنجم هجری این دولت در مرحله کنت نشینی و تحت رهبری سانچو گارسیا بود. پس از وی، فرناندو به حکم خویشاوندی با تصرف قلمرو لیون، خود را پادشاه مملکت واحد قشتاله و لیون خواند (عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲).

۱. در آغاز دوره ملوک الطوائف اندلس، فردیناند یا فرناندو پادشاه بزرگ و قدرت‌مندی در قشتاله حکومت می‌کرد. وی به سرزمین‌های اسلامی، مانند بلنسیه، طلیطله و سرقسطه دست اندازی کرد و از فرمانروایان آنها مالیات دریافت کرد (عبدالحلیم، العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسپانیا النصرانية فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف، ص ۳۷۳-۳۳۸ و ۳۴۸).

۲. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۷۹.

3. Fitzhenry, *El Cid Gods Own Champion*, p.۷۳-۷۲

آلفونسوی دوم (حک: ۱۰۷۲-۱۱۰۹م.) و رودریگو دیاز،^۱ فرماندهای نظامی مشهور به ال‌سید^۲ بهره‌جست^۳ و کوشید با به کارگیری او به عنوان فرمانده سپاه، اقتدار سیاسی - نظامی از دست رفته خویش را احیا کند.^۴

به نظر می‌رسد وی در به‌کارگیری ال‌سید دو هدف داشت. نخست، با توجه به شهرت ال‌سید در میان حاکمان مسلمان به جنگاوری و نقشی که در پیروزی‌های سانچو^۵ (حک: ۱۰۶۴-۱۰۷۲م.) و آلفونسو و در نتیجه قدرت‌مند شدن قشتاله داشت^۶ از توان او برای

1. Rodrigo Dyaz.

2. El Cid. Fitzhenry, p 73.

۳. آلفونسو در سال ۴۶۳هـ.ق/۱۰۷۳م. پس از تسلط بر جلیقیه در شمال غربی اندلس و در قلمرو برادرش گارسیا به قلمرو ملوک الطوائف اندلس تاخت که سخت با یکدیگر در نزاع بودند. آلفونسو از آنان خراج و مالیات درخواست کرد. از این رو، ال‌سید را برای گرفتن خراج به نزد ابن عبّاد، حاکم اشبیلیه فرستاد، اما شوالیه‌های دربار و بدخواهان بر ضد ال‌سید شایعه کردند که او بیشتر مالیات‌ها و هدایای حاکم اشبیلیه را پنهانی تصاحب کرده است. این شایعه سبب شد آلفونسو که همیشه از توانایی‌های نظامی ال‌سید بیمناک بود به این بهانه، وی را در سال ۴۷۴هـ.ق/۱۰۸۱م تبعید کند.

Ptresen, *Dictionery Of Islamic Architecture*, London, 1996, p 12-13, Richard. Fleteher, *The Quest For El Cid*, London, 1989, p 103.

۴. برای اطلاع بیشتر، رک: یزدانی، «ال‌سید و مناسبات وی با هودیان و مسیحیان اندلس»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۶۹.

۵. سانچو، دومین فرمانروای بزرگ قشتاله بود که در زمان وی، قشتاله به اوج اقتدار رسید (حجی، *التاریخ الاندلسی من الفتح حتی سقوط غرناطه*، ص ۳۳۰).

۶. برای اطلاع بیشتر، رک:

f.M. Warren, *Le Cid*, Boston, NEW Yourk Chicago, 1933

مقابله با همسایگان مسلمان رقیب خود و در دفع حملات نظامی قشتاله بهره گیرد.^۱ در سال ۴۷۴ق. حوادثی رخ داد که سبب گردید که هودیان به مطامع سیاسی و نظامی خود دست نیابند.

در پی هرج و مرج طلیطله^۲ در ۴۷۴ق، آلفونسو با بهره‌گیری از اوضاع ناآرام سیاسی^۳ آن‌جا برای تصرف آن خیز برداشت و با هدف ممانعت از شکل‌گیری اتحاد میان حکومت‌های مسلمان با حکومت دینی قدرت‌مند مرابطون (حک: ۴۵۱-۵۶۵ق.) در مغرب، از فراخواندن ال‌سید از سوی هودیان استقبال کرد. او با دسیسه‌ای ال‌سید را به دربار بنی‌هود فرستاد و نشان داد میان حکومت‌های منطقه‌ای از یک سو دوستی و همکاری و از دیگر سو رقابت‌های نظامی وجود دارد؛ زیرا با بررسی دقیق متون تاریخی می‌توان دید تا زمانی که ال‌سید^۴ در دربار هودیان مشغول به کار بود،^۵ آلفونسو نه تنها بر ضد بنی‌هود اقدام نظامی انجام نداد، بلکه در این مدت، بارها نزد آلفونسو رفت و اعلام وفاداری کرد.^۶

۱. سامرای، تاریخ العرب و حضارتهم فی الاندلس، ص ۶۴.

۲. شهری است در شصت کیلومتری جنوب غربی مادرید، رومیان این شهر را طلیطم می‌خواندند. پس از تصرف آن به دست مسلمانان، نام آن به طلیطله تغییر یافت (باقری، «طلیطله»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۶۸۶۰).

۳. مأمون بن ذوالنون از اوضاع سیاسی طلیطله آشفته شد. از یک سو، متوکل عمر بن افطس در مدت کوتاهی، حکومت را طلیطله در دست داشت و از سوی دیگر، یحیی القادر بن ذوالنون به حمایت از آلفونسو قصد حکومت بر این شهر داشت (عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۱۰۵).

۴. ال‌سید حدود چهار سال در دربار هودیان مشغول به کار بود که در این مدت، بنی‌هود را به قدرتی بلامنازع در شرق اندلس تبدیل کرد (ابن عذارى، البیان المغرب فی اخبار اندلس و المغرب، ج ۳، ص ۲۲۸؛ Fitzhenry, p 70؛ عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۴۳-۲۴۵).

۵. ال‌سید تا اوایل حکومت مستعین بن هود با هودیان همکاری کرد (ر.ک: یزدانی، ال‌سید و مناسبات وی با هودیان و مسیحیان اندلس، ص ۱۶۹-۱۷۱).

۶. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۴۲.

از این رو، با بررسی اقدامات سیاسی ال‌سید در دربار هودیان، فرضیه تبانی سیاسی - نظامی میان آلفونسو و ال‌سید با هدف سرکوبی بنی‌هود و دیگر حکومت‌های ملوک الطوائف آماده بررسی است. او در چهار سال؛ یعنی از سال‌های ۴۷۴ - ۴۷۸ ق. با کسب پیروزی‌های چشمگیر^۱ هودیان را به قدرتی بلامنازع در شرق اندلس تبدیل کرد و در نتیجه، آنان توانستند حضوری پررنگ در رویدادهای این ناحیه داشته باشند، اما پس از سقوط طلیطله، ال‌سید به هم‌پیمانی خود خاتمه دادند و به بهانه کمک به مردم بلنسیه^۲ از هودیان جدا شدند. آنان با همکاری آلفونسو که در مرکز اندلس در حال تاخت و تاز بود در شرق به جنگ با مسلمانان برخاستند.^۳

سقوط طلیطله، نقطه عطفی در تاریخ ملوک الطوائف اندلس به شمار می‌رود؛ زیرا در پی آن، آلفونسو با بهره‌جویی از ضعف سیاسی دوره دوم حکومت هودیان^۴ به ویژه ضعف حکومت مستعین بن هود (حک: ۴۷۸ - ۵۰۳ ق / ۱۰۸۵ - ۱۱۱۰ م.) به سبب عدم اتحاد

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: یزدانی، *ال‌سید و مناسبات وی با هودیان و مسیحیان اندلس*، ص ۱۷۰.

۲. بلنسیه که در شرق اندلس واقع بود به دلیل فقدان حکومتی مقتدر با چالش‌های داخلی مواجه شد. ال‌سید پس از قدرت گرفتن در منطقه شرق اندلس به دنبال فتح بلنسیه برآمد و با تصرف آن، بیش از ۴ سال بر آن حکومت کرد (ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار المغرب*، ج ۳، ص ۳۰۵ - ۳۰۶؛ برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: یزدانی، *ال‌سید و مناسبات وی با هودیان و مسیحیان اندلس*، ص ۱۶۵ - ۱۷۰).

۳. ابن عذاری؛ *بيان المغرب فی اخبار المغرب و الاندلس*، ج ۳، ص ۲۰۱ - ۳۰۹.

۴. در دوره دوم حکومت بنی‌هود که بیست و هفت سال به طول انجامید، دو نفر از خاندان هودی به نام احمد بن یوسف ملقب به مستعین (۴۷۸ - ۵۰۳ ق.) و عبدالملک بن مستعین ملقب به عمادالدوله به قدرت رسیدند.

میان دولت‌های ملوک الطوایف، تداوم جنگ‌های طولانی و دست‌درازی پی‌درپی به مسیحیان سبب گستاخی پادشاهان قدرت‌مند حکومت‌های مسیحی، مانند آلفونسو شد. از این رو، پس از اطمینان از ناتوانی سیاسی - نظامی آنها به سرزمین‌هاشان یورش برد و سرقسطه، پایتخت هودیان را تصرف کرد.^۱

اندیشه دعوت از مرابطون برای نجات اندلس، نخستین بار از سوی معتمد بن عباد مطرح شد. او با ارسال نامه‌ای به دیگر حاکمان اندلس، خواستار حضور مرابطون در اندلس شد.^۲ از این رو، امرای مسلمان از بیم زوال کامل حکومت خویش با تشکیل ائتلافی به یوسف بن تاشفین مرابطی (حک: ۴۵۱ - ۵۰۰ ق.) متوسل شدند.^۳ به نظر می‌رسد، پس از ورود مرابطون به اندلس (۴۷۹ ق.)، جنگ‌های مسلمانان با مسیحیان بیش از پیش، رنگ

۱. دوره مستعین بن احمد مؤتمن با رویدادهایی چون فتح بلنسیه به دست ال‌سید، اقتدار آلفونسو پادشاه قشتاله در اسپانیای مسیحی و اندلس و رود مرابطون به اندلس همراه بود که وی در قبال این رویدادهای بزرگ، سیاست‌های متناقضی چون توسل به قشتاله و مرابطون را در پیش گرفت که همین امر، سبب بی‌ثباتی حکومتش شد.

۲. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۷-۳۲؛ عبدالحمید، العلاقات بین الأندلس والإسلامیه و اسپانیا النصرانیة فی عصر بنی امیة و ملوک الطوایف، ص ۳۳۷-۳۴۰.

۳. در دوره مستعین بن هود، مرابطون (۴۵۴ ق./ ۱۰۶۲ م.) برای نجات اندلس به این منطقه آمدند. آنان در مغرب اسلامی دارای حکومتی مقتدر و متمرکز به رهبری یوسف بن تاشفین بودند. در این دوره که عصر اوج و اقتدار مرابطون بود، حکومت‌های اندلس در تنگناهای سیاسی - نظامی مسیحیان قرار گرفتند و با حضور یوسف تاشفین در اندلس و شکست مسیحیان در جنگ زلاقه، آرامش سیاسی نسبی در اندلس شکل گرفت (ابن خطیب، اعمال الاعلام تاریخ اسپانیه الاسلامیه، ص ۱۵۷، ۱۵۸؛ عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۶۴، ۳۰۹).

دینی به خود گرفت و نبرد سرنوشت ساز زلّاقه (۴۷۹ق.م/۱۱۰۸۶م.)^۱ اوج این تقابل را به خوبی نشان می‌دهد.^۲

۵. پی آمدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

با توجه به این که در میان حکومت‌های مسلمان و مسیحی، قشتاله نیروی نظامی برتری داشت، امرای هودی برای حفظ توان نظامی خویش در برابر رقبا، ناگزیر به انعقاد پیمان نامه‌های نظامی و تداوم مناسبات سیاسی - نظامی با آنان بودند. افزون بر این، ضعف سیاسی خاندان بنی‌هود به‌ویژه در دوره دوم حکومت، وابستگی نظامی به قشتاله را تشدید کرد.^۳ در نتیجه این پیمان‌های نظامی که چندان به درازا نیانجامید، هودی‌ان بارها به قلمرو همسایه مسلمان خود^۴؛ یعنی حکومت بنی‌ذوالنون دست اندازی کردند که مهم‌ترین پی‌آمد آن، مداخله نظامی پررنگ قشتاله در شرق اندلس بود.

آنان از نزدیک به اختلافات شدید سیاسی - نظامی حکومت‌های مسلمان ملوک الطوایف پی بردند و به دنبال نفوذ بیشتر فرناندو به سرزمین‌های اسلامی که بر اثر ورود به

۱. در قرن پنجم هجری بین صلیبیان به رهبری آلفونسوی ششم و مسلمانان مغرب و اندلس به رهبری یوسف تاشفین که در این جنگ سرنوشت ساز، شکست سنگینی بر مسیحیان وارد کردند و بلنسیه را بازپس گرفتند (سعید مسرور، «زلّاقه»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، ص ۹۵).

۲. مونس، *التغر الاعلی الاندلسی فی عصر المرابطون*، ص ۱۶.

۳. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۵؛ ابن خطیب، *اعمال الاعلام تاریخ اسبانیایه الاسلامیه*، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۴. بنی ذوالنون در طلیطله حکومت می‌کردند. عنان از این مکان به عنوان قلب اندلس یاد کرده است (عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۹۶).

جنگ‌های داخلی هودیان و بنی‌ذوالنون فراهم شده بود، سلطه قشتاله بر مناطق مسلمان نشین مستحکم‌تر گردید.^۱

سلیمان بن هود (حک: ۴۳۱ - ۴۳۸ ق.) در سال ۴۳۲ ق. برای فتح منطقه وادی الحجاره^۲ که مرز میان دو خاندان بود، پیش دستی کرد. او به سبب ناکامی در فتح از پادشاه قشتاله خواست در عوض ارسال کمک‌های مالی، قلعه‌های بنی‌ذوالنون را ویران کند.^۳ فرناندو با هدف سرگرم ساختن مأمون بن ذوالنون^۴ به طلیطله حمله کرد^۵ و در نتیجه، سلیمان در سال ۴۳۶ ق./۱۰۴۴ م. بر وادی الحجاره دست یافت.^۶

بنی‌ذوالنون با مشاهده این اوضاع در اقدامی نابخردانه کمک‌های مالی فراوانی را به دولت قشتاله داد و از هم‌پیمانی با آنان بر ضد بنی‌هود، بهره جست. نتیجه آن که فرناندوی قشتاله، بسیاری از قلعه‌ها و اراضی کشاورزی هودیان را تخریب کرد، اما سلیمان بن هود با هدف حفظ سپاه، تأمین امنیت مرزها و عدم برخورداری از امکانات لازم از رویارویی و مقابله با قشتاله امتناع کرد.^۷

۱. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۲۲-۲۳۵؛ عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف*، ص ۳۳۸-۳۴۰.
۲. شهری مرزی در جنوب سرقسطه (مونس، *اطلس تاریخ اسلام*، نقشه ۸۸).
۳. ابن عذاری، *البيان المغرب فی اخبار الندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۹۶.
۴. عنان، همان، ج ۲، ص ۹۶.
۵. طلیطله، پایتخت بنی ذوالنون از مناطق با اهمیت اندلس بود که در دوره امویان به ثغر اوسط شهرت داشت (عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۹۱).
۶. عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف*، ص ۳۳۸-۳۳۹.
۷. ابن عذاری، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب*، ج ۳، ص ۲۲۴؛ عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف*، ص ۳۴۲.

چنان که می‌بینیم حاکمان مسلمان بدون توجه به مصالح عمومی و دینی و با هدف توسعه‌طلبی و دست‌یابی به قلمرو بیشتر در اندلس از طریق اعطای کمک‌های مالی به دولت مسیحی قشتاله، سرکوبی رقیب مسلمان خود را می‌جستند^۱ و منافع مادی و پیمان‌نامه‌های مالی - نظامی، چندان برای قشتاله فراوان بود که مکرر آن را نقض می‌کردند و با دیگری که پیشنهاد بهتری می‌داد، هم‌پیمان می‌شدند. این مسئله، بارها در روابط با هودیان مشاهده می‌شود.^۲

آنچه در این میان سبب شگفتی است درک نادرست هودیان در استمداد از پادشاهی قشتاله بود. آنان که گویی تنها راه حفظ بقای خود را در هم‌پیمانی با قشتاله و استمداد از آنان می‌دیدند، با وجود پیمان‌شکنی‌های قشتاله، بارها به سوی قشتاله دست‌یاری دراز کردند و با ارسال هدایایی گران‌بها تر از غرامت‌های مالی حاکمان بنی ذوالنون، خواستار حمله به طلیطله شدند.^۳ مأمون بن ذوالنون (حک: ۴۳۵ - ۴۶۷ق/۱۰۴۳ - ۱۰۷۵م.) پس از شکست از بنی‌هود، ناگزیر دست به دامان حکومت مسیحی رقیب قشتاله؛ یعنی سانچو پادشاه ناوار (حک: ۱۰۵۴ - ۱۰۷۳م.) شد.

این اقدام^۴ هزینه‌های هنگفت اقتصادی و نظامی برای هودیان و نابودی سرزمین‌های اسلامی را به همراه آورد؛ زیرا سانچو در ۴۳۷ق/۱۰۴۵م. با هجوم به قلمرو بنی‌هود، زمین‌های کشاورزی واقع در طلیطله و وشقه^۵ را نابود کرد و قلعه قلهره^۶ را تصرف نمود.^۷

۱. ابن عذاری، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب*، ج. ۲، ص ۲۷۶.

۲. عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج. ۲، ص ۹۶-۹۷.

۳. همان، ج. ۳، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف*، ص ۳۳۸.

۴. ابن عذاری، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب*، ج. ۲، ص ۲۷۶-۲۷۷.

۵. شهری است در شمال شرق اندلس به سبب نزدیکی با قلمرو قشتاله از مناطق با اهمیت سرقسطه به شمار می‌آمد (یاقوت، *معجم البلدان*، ج. ۲، ص ۱۴۳).

6. Galahorra .

یکی از قلعه‌های مشهور نظامی که در شهر مدینه‌السالام در شمال سرقسطه واقع است (عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج. ۱، ص ۴۱۳).

۷. عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیة و ملوک*

الطوائف، ص ۳۳۸.

این اقدام سیاسی ناسنجیده دو حکومت رقیب مسلمان، چنان‌پی‌آمدهای سیاسی و نظامی زیان‌باری برای منطقه داشت که اعتراض علمای مسلمان^۱ و انتقاد مورخانی چون ابن حیان (۳۷۷-۴۶۹ق.) را به دنبال داشت. ابن حیان در گزارش رویدادهای این دوره، وجود حاکمان این دو حکومت را برای جامعه مسلمان شوم و بدشگون و جنگ‌های آنان را مسبب نابودی مردم مسلمان اندلس می‌دانست.^۲

وابستگی نظامی هودیان به قشتاله در دوره‌های بعدی شدیدتر شد. مستعین بن هود (۴۷۸-۵۰۳ق.)^۳ که از ضعف اوضاع نظامی و سیاسی به شدت رنج می‌برد، کوشید با ارسال غرامت‌های مالی، حکومت قشتاله را در کنار خود نگه دارد، اما آلفونسو با پی‌بردن به ضعف هودیان از فرصت سقوط طلیطله و قطع همکاری ال‌سید با هودیان بهره‌جست و به قلمرو هودیان یورش برد.^۴ مستعین بن هود طبق سنت گذشته، تنها راه حل مناقشه را در

۱. ر.ک: همین مقاله، تمهیدات هودیان برای برقراری روابطه حسنه با قشتاله.

۲. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۷۹.

۳. احمد بن مستعین که بر بخشی از قلمرو هودیان، شامل سرقسطه و توابع آن فرمانروایی می‌کرد در طول حاکمیت خویش با چالش‌هایی چون قدرت‌یابی دولت‌های مسیحی اسپانیا و حملات پی‌در پی آنها، شورش‌های مکرر مندر عمویش در لارده و بحران اقتصادی روبه‌رو بود. در این دوره، حکومت‌های مسیحی، پرشتاب سرزمین‌های اسلامی اندلس را درمی‌نوردیدند. آلفونسوی ششم پس از استیلا بر طلیطله در سال ۴۷۸ق. / ۱۰۸۵م. آهنگ تسخیر سرقسطه و دیگر مناطق هودیان کرد. حملات مکرر آنان، حکومت هودی را به خود معطوف داشت (عبدالحمید، العلاقات بین الأندلس الإسلامیة و اسبانيا النصرانیة فی عصر بنی امیة و ملوک الطوائف، ص ۳۴۴؛ عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۱۱۲).

۴. ال‌سید به سبب فقدان حکومتی مقتدر در بلنسیه بر این منطقه حدود چهار سال حکومت کرد. آلفونسو از نفوذ روزافزون ال‌سید در شرق اندلس هراسان بود و در پی فتح سرقسطه، پایتخت هودیان برآمد (عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۱۹ و ۲۹۳-۲۹۶).

مصالحه و پرداخت غرامت مالی به قشتاله می‌دید و می‌کوشید از این طریق، مانع حمله آفونسو شود.^۱ با این همه، آفونسو بی‌اعتنا به رفتار هودیان، سرقسطه را در سال ۴۷۹ق/۱۰۸۶م محاصره کرد^۲ و تنها وقوع جنگ زلاقه و شکست مسیحیان از حکومت مرابطون بود که آفونسو را ناگزیر از عقب نشینی کرد.^۳

پس از توقف توسعه طلبی آفونسو در اندلس، بنی‌هود فرصتی یافتند به سامان‌دهی و تقویت قوای نظامی خویش بپردازند، اما مستعین بن هود سرمست از شکست قشتاله و اطمینان از عدم حمله آنان، درصدد فتح بلنسیه^۴ ناآرام^۵ برآمد^۶ و از دیگر دشمنان مسیحی

۱. همان، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲. آفونسو پس از تصرف طلیطله، علاوه بر این‌که به قدرتی بلامنازع در اسپانیای مسیحی و مسلمان تبدیل شد، این را نیک می‌دانست که برای حفظ قدرت در مقابل رقیبان منطقه‌ای خود، مانند ال‌سید و آراگون باید منطقه با استراتژیکی چون سرقسطه را بر قلمرو خویش بیفزاید (عبدالحمید، العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیه و ملوک الطوائف، ص ۳۴۴-۳۴۵).

۳. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۹۴.

۴. ابن عذاری، البیان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب، ج ۴ ص ۴۴-۴۵؛ عبدالحمید، العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیه و ملوک الطوائف، ص ۳۴۴.

۵. در سال ۴۷۸ق./۱۰۸۶م. یحیی القادر، رهبر پیشین طلیطله از سوی آفونسو قدرت را در بلنسیه به دست گرفت. فقدان توانایی وی در اداره حکومت سبب طمع دیگر حاکمان و افرادی چون ال‌سید شد که به دنبال قدرت سیاسی در منطقه بودند (عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۹۸-۲۹۹).

۶. در این زمان، ال‌سید به شدت در پی به دست آوردن این منطقه بود.

۷. مستعین پس از اطمینان از عدم هجوم قشتاله به قلمرو خویش، آهنگ تصرف بلنسیه نمود. این منطقه از فقدان حکومتی مقتدر رنج می‌برد، اما به سبب طمع دیگر قدرت‌های منطقه، مانند ال‌سید

خود، مانند آراگون غفلت کرد. با دل مشغولی هودیان در شرق اندلس، همسایه مسیحی شمالی؛ یعنی سانچو (۱۰۶۳-۱۰۹۰ م.) پادشاه آراگون به قلمرو آنان هجوم آورد. بنی هود پیمان شکنی‌های مکرر قشتاله را از یاد بردند و دوباره دست دوستی به سوی آنان دراز کردند. احتمال می‌رود قشتاله به دلیل مصلحتی که بر ما پوشیده مانده است از ارسال نیرو خوداری کرد و از این رو، هودیان ناامیدانه از مرابطون مسلمان استمداد کردند.^۱ با این همه، سانچو، پادشاه قدرت‌مند آراگون که به دنبال سلطه بر منطقه شمالی اندلس بود به سرعت به وشقه^۲ تاخت^۳ و آن را در سال ۴۸۹ ق/۱۰۹۶ م. تصرف کرد و این شهر ضمیمه قلمروی پدر^۴ (۱۱۰۵ م.) پادشاه جدید آراگون شد.^۵

در ایامی که بنی هود روی در انحطاط و زوال نهاده بود، مرابطون قدرت‌مند برای سرنگونی برخی از حاکمان ضعیف ملوک الطوایف و برای مقابله با حکومت‌های مسیحی به ویژه قشتاله به اندلس آمدند و در سال ۵۰۰ ق/۱۱۰۷ م. در نبرد اقلیش^۶ شکست

و سلاطین مسیحی، مستعین از تصرف آن عاجز ماند (ابن عذاری، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب*، ج ۴، ص ۳۷-۳۸؛ عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۲۳).
 ۱. مستعین پسر خود، عبدالملک را به همراه هدایای فراوان به مغرب اسلامی فرستاد. یوسف تاشفین نیز که به دنبال حایلی میان مسلمانان و مسیحیان بود، نیروی بسیاری را به سرقسطه فرستاد (ابن عذاری، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب*، ج ۴، ص ۴۳).

۲. از شهرهای شمالی بنی هود.

۳. عبدالحلیم، *العلاقات بین الأندلس الإسلامية و اسبانيا النصرانية فی عصر بنی امیه و ملوک الطوایف*، ص ۳۴۵.

۴. Peter معروف به پیتیر کبیر.

۵. عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۲، ص ۳۹۵، ۲۹۸-۲۹۸.

۶. در منطقه شنبریه در شرق اندلس (ابن عذاری، *البيان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب*، ج ۴، ص ۵۰).

سنگینی بر آفونسو وارد کردند و سانچو، تنها جانشین آفونسو را به قتل رساندند. با مرگ سانچو، آفونسو پادشاه قشتاله در بستر بیماری افتاد و پس از رنج بسیار در سال ۱۱۰۹م. در گذشت^۱ و قلمروی قشتاله به دست آفونسوی هفتم، پادشاه آراگون افتاد.^۲

بررسی‌ها نشان می‌دهد منابع مالی عظیم هودیان، یکی از دلایل طمع حکومت‌های مسیحی به ویژه قشتاله به قلمرو آنان بوده است؛ زیرا بنی‌هود به سبب موقعیت جغرافیایی، حاصل‌خیزی زمین‌های کشاورزی و برخورداری از معادن طلا از حکومت‌های ثروت‌مند اندلس اسلامی به شمار می‌آمدند.^۳ از این رو، مناسبات سیاسی، نظامی و مالی حسنه، همواره منافع اقتصادی فراوانی را برای قشتاله به همراه داشت.^۴

آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی شهرهای تحت سلطه هودیان و در نتیجه بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از آن سبب نارضایی مردم از وضع موجود شده بود و شورش‌های مکرر آنان را در بیشتر مناطق سرقسطه به دنبال داشت. آنان با ارسال نامه‌هایی از مرابطون کمک خواستند. دستگاه حکومتی بنی‌هود که ثبات سیاسی خود را از دست رفته می‌دید، با نوشتن نامه‌ای به علی بن تاشفین (حک: ۴۹۹-۵۳۷ق.) خواهان حفظ وضع موجود و روابطه حسنه با آنان شد، اما مردم از اطاعت حکومت سرباز زدند.^۵ سرانجام با آمدن

۱. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. همان، ص ۴۰۹.

۳. حمیری، روض المعطار فی خبر الاقطار، ص ۳۱۷؛ ادیسی، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، ص ۵۵۹.

۴. در همین رابطه، ماکای محقق انگلیسی درباره پرداخت اجرت و انعام از سوی حکام هودی به ال‌سید می‌گوید که ال‌سید در ازای خدمات سیاسی - نظامی در ارتش بنی‌هود، علاوه بر دریافت پاداش‌های زیاد، سالیانه حدود دوازده هزار دینار دریافت می‌کرد که ده درصد از مبلغش را به پاپ می‌داد (Mackay, Angus, *Spain in Middle Ages*, Palgrave, 1977, p. 19-23).

۵. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۴۰۹-۴۱۰.

مرباطون به سرقسطه، عمادالدوله (حک: ۵۰۳ - ۵۰۳ ق.) آخرین حاکم بنی هود، ناگزیر به روطه پناه برد^۱ و فرمانروایی بنی هود بر سرقسطه پایان یافت.

۶. نتیجه

حکومت بنی هود (۴۳۱-۵۰۳ ق.) که در آغاز داعیه حکومت بر شرق اندلس داشت و با رقبای متعدّد مسلمان روبه‌رو بود، ناگزیر شد برای دستیابی به مطلوب دو راه در پیش گیرد. نخست، وضعیت نظامی و دفاعی خود را سامان دهد و سپس با انعقاد پیمان‌نامه‌های نظامی و پرداخت غرامت‌های مالی فراوان با دولت‌های مقارن مسیحی به ویژه قشتاله، رویکردی تسامحی داشته باشد.

با وجود این که این رویکرد برای قشتاله، منافع فراوان نظامی و اقتصادی در پی داشت، نتایج آن برای هودیان چندان مطلوب نبود. حکومت قشتاله در دراز مدت، نه تنها اهداف و مطامع سیاسی هودیان را برآورده نکرد، بلکه در پی تصرف قلمرو حکومت‌های ملوک الطوائف در اندلس به ویژه بنی هود برآمد. از این رو، با گذشت زمان و اثبات اهداف سلطه جویانه حکومت قشتاله، حاکمان بنی هود ناامیدانه گاه دست دوستی و استمداد به حکومت‌های اسلامی، مانند مرباطون و گاه به حکومت‌های مسیحی رقیب قشتاله؛ یعنی پادشاهی نوار و آراگون دراز می‌کردند.

افزون بر این، مهم‌ترین پی‌آمد روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی حکومت هودیان با قشتاله، آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی و تضعیف پایگاه اجتماعی آنان در میان ساکنان مناطق مختلف سرقسطه، دعوت مردم از حاکمان مرباطون برای رهایی و سرانجام سقوط هودیان به دست علی بن تاشفین مرباطی در ۵۰۳ ق. بود.

۱. در همین ایام، حکومت رو به اضمحلال بنی هود که چیزی برای از دست دادن نداشت با هدف حفظ حکومت، هدایایی گران‌بها را به پادشاه جدید آراگون ارسال کرد و اظهار ارادت‌مندی و دوستی نمود (ابن خطیب، اعمال الاعلام تاریخ اسبانیة الاسلامیه، ص ۱۷۳؛ ابن عذاری، البیان المغرب فی الاخبار الاندلس، ج ۴، ص ۵۳-۵۴).

منابع

١. ابن خطيب، لسان الدين، اعمال الاعلام فيمن بويق قبل الاحتلام من ملوك الاسلام، تحقيق كسروى حسن، بيروت: دارالكتب العلمية، بى تا.
٢. ابن خلدون، عبدالرحمان، العبر تاريخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحميد آيتى، تهران: پژوهشگاه علوم انسانى و مطلعات فرهنگى، ١٣٨٣.
٣. ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه، ترجمه محمد پروين گنابادى، نشر الکترونيک ١٣٩٠.
٤. ابن عذارى، ابو عبد الله محمد المراكشى، البيان المغرب فى اخبار الاندلس والمغرب، تحقيق احسان عباس، بيروت: دار الثقافة، ١٩٨٣م.
٥. ادريسى، ابو عبدالله، نزهة المشتاق فى اختراق الآفاق، بيروت: عالم الكتاب، بى تا.
٦. ارسلان، شكيب، حلل السندسية فى الاخبار و الاثار الاندلسية، قاهره: مؤسسه هندساوى التعليم و الثقافة، ٢٠١١م.
٧. انيس سويلم، ساعد بدالفتاح، رساله علاقه الامارة الامويه فى الاندلس مع ممالك النصرانية فى اسبانيا؛ نابلس: بى نا، ٢٠٠١م.
٨. باقرى، اشرف سادات، «طليطله»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: دانشنامه جهان اسلام، ١٣٩٠.
٩. بكرى، ابو عبيد، جغرافيه الاندلس و اوربا، تحقيق عبد الرحمن الحجى، بيروت: دارالارشاد، ١٩٦٨م.
١٠. بوالصوف، فضيل، الرساله العلاقات السياسية بين الاندلس الاسلاميه و اسبانيا النصرانية فى عصر ملوك الطوائف، الجزائر: بى نا، ٢٠١٠-٢٠١١م.
١١. حجى، عبدالرحمن على، التاريخ الاندلسى من الفتح حتى سقوط غرناطه، بيروت: دارالقلم، ١٩٧٦م.

۱۲. حمیری، محمد بن عبد المنعم، *روض المعطار فی خبر الاقطار*، تحقیق احسان عباس، بیروت: بی نا، ۱۹۸۴م.
۱۳. جیوسی، میراث اسپانیای اسلامی، زیر نظر جیوسی سلمی خضراء، نشر الکترونیکی.
۱۴. خلیل دباغ، عبدالوهاب، *سرقسطه بوابه الاندلس الشمالیه فی عصر بنی هود*، بی جا: بی نا، ۲۰۱۱م.
۱۵. خیطان، عبدالکریم، *دوله بنی هود فی سرقسطه*، بغداد: بی نا، ۲۰۰۳م.
۱۶. سامرای، خلیل ابراهیم، *علاقات المرابطین باممالک الاسبانیه بالاندلس*، عراق: بی نا، بی تا.
۱۷. عبدالحلیم، رجب محمد، *العلاقات بین الاندلس الإسلامیه و اسپانیا النصرانیة فی عصر بنی امیه و ملوک الطوائف*، قاهره: دارالکتب الإسلامیه، بی تا.
۱۸. عذری، احمد بن عمر بن انس، *نصوص عن الاندلس*، من کتاب ترصیع الاخبار وتنويع الآثار، تحقیق عبد العزيز الأهوانی، مادرید: مطبعة معهد الدراسات الاسلامیه، ۱۹۶۵م.
۱۹. عنان، محمد بن عبدالله، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، عبدالحمید آیتی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶.
۲۰. مونس، حسین، *اطلس تاریخ الاسلام*، بالزهراء للإعلام العربی، قاهره: بی نا، ۱۹۸۷م.
۲۱. مونس، اطلس تاریخ اسلام، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵.
۲۲. مونس، حسین، *الثغر الاعلی الاندلسی فی عصر المرابطون*، بی جا: مرکز الثقافه الدینیة، ۲۰۰۸م.
۲۳. یاقوت حموی، شهاب الدین بن عبد الله، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
۲۴. یزدانی، رضوان، «السیّد و مناسبات وی با هودیان و مسیحیان اندلس»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، بهار ۹۶.

25. T.R. Preston, *The Cid Campeador*, London, 1833.

26. Pida. Ramon Menendez, *La Spana Del Cid*, Madrid, 1929.

27. James, Fitzhenry, *El Cid*, United Statse Of America, 2008.
28. *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, 2012.
29. Ptresen, *Dictionery Of Islamic Architecture*, London, 1996.
30. Richard. Fleteher, *The Quest For El Cid*, London, 1989.
31. f.M. Warren, *Le Cid*, Boston, NEW Yourk Chicago, 1933.

